

سرمقاله

مصرف نشدن بودجه انکشافی؛ چرا؟

محمد رضا هویدا

معضل مصرف نشدن بودجه انکشافی وزارت خانه ها در دولت افغانستان امر جدیدی نیست. سالهای سال است که در میانه سال مشخص می شود که وزارت خانه ها نتوانسته اند بخش اعظم بودجه انکشافی خود را به مصرف برسانند. معمول بر آن است که در اواخر مدت معینه ای که بودجه باید به مصرف برسد، وزارت خانه ها سعی می کنند بودجه را به صورت عاجل و در هر امری که امکان داشته باشد به مصرف برسانند تا میزان معین شده را بتوانند تکمیل کنند. اگر این مسئله یک یا دو سال می بود، شاید مشکل حادی به نظر نمی رسید، اما این وضعیت هر ساله تکرار می شود. دولت نیز کار مشخصی و برنامه واضحی برای بیرون رفتن از این وضعیت روی دست ندارد. تنها کاری که دولت انجام می دهد، چند تهدید و توصیه است و بس.

یکی از عواملی که در بروز این وضعیت و تکرار آن موثر است، ظریفی پایین انسانی در وزارت خانه ها است. کمتر وزارت خانه ای را پیدا می کنید که تمامی و اکثر کارمندان متناسب با وظیفه و تخصص شان استخدام شده باشد. بخش های زیادی از کارمندان وزارت خانه ها و ادارات در بخش هایی که کار می کنند، تخصص ندارند. در این میان شمار زیادی از مشاورین نیز که با معاش های بلند در پست های مختلف کار می کنند، تخصص و یا تجربه کافی در کارشان ندارند، که در نتیجه چیزی جز اتلاف وقت و سرمایه مردم افغانستان سود دیگری در پی نخواهد داشت. این وزارت خانه ها به ظاهر پروسه اصلاحات اداری را تطبیق کرده اند، برنامه های بلندمدت و بالایی نیز اعلام کرده اند، اهداف کلانی را نیز ظاهراً تعقیب می کنند، اما واقعیت غیر از آن است. واقعیت وزارت خانه های ضعیفی را نشان می دهد که مسئولان و برنامه ریزان آنها توان طراحی و برنامه های انکشافی را ندارند.

عامل دیگر نبود سیستم دولتمداری است. وزارت خانه ها معمولاً هر کدام به دلخواه خود برنامه هایی را طرح و اجرا می کنند. این وزارت خانه ها کمتر از یک سیستم منظم کار و حکومتداری پیروی می کنند. هیچ سیستم منظمی وجود ندارد که مسئولان و مقامات ادارات در داخل آن سیستم کار کنند. به عنوان نمونه هر وزیر به دلخواه خود می تواند یک پروژه را داخل کار کند و یا آن را از کار بیرون کند. به عنوان مثال اگر وزیر قبلی ساخت یک سرک را در داخل پلان گرفته است، وزیر جدید می تواند به راحتی از اجرای آن سرک باز زند و آن را موکول به آینده ای نامعلوم نماید. این وضعیت سبب شده تا شماری از پروژه ها به دلایل نامعلومی نیمه کاره باقی بمانند و برای کار در نظر گرفته نشوند. موضوع دیگری که واقعاً با اهمیت بوده و نبودش کاملاً محسوس است، نبود نظارت دقیق و علمی از کار ادارات اجرایی است. قانوناً پارلمان باید از کار قوه اجرایی نظارت نماید، اما پارلمانی که خود تبدیل به یکی از مشکلات شده و از ناکارآمدترین نهادها در افغانستان به شمار می آید، چگونه می تواند از کار قوه اجرایی نظارت نماید. در شماری از موارد رد پای و کلای شورای ملی در قراردادهای غیر شفاف و مشکلات دیگری به وضوح دیده می شود. شاید در کمتر پروژه اقتصادی باشد که رد پای و اثری از یکی از کلای شورای ملی را نتوان یافت. با چنین وضعیتی نهادی که خود بخشی از مشکل باشد نمی تواند اصل مشکل را حل کند.

دولت افغانستان باید در مجموع، به شمول همه قوای سه گانه تلاش کند تا از این معضل که باعث شده پولهای کمک شده جهانی بدون استفاده بمانند و از طرفی دولت افغانستان نیز مورد ستیال واقع شود، بیرون بیاید. این وضعیت پایه های لرزان اقتصاد کشور را بیشتر آسیب خواهد شد.

وزارت معارف در پروز اعلان کرد که دو معلم در ولایت زابل از سوی مخالفان مسلح دولت کشته شده است. آنها در لیسه پولان ولسوالی سیوری ولایت زابل معلم بوده اند. تا هنوز عاملین قتل این دو معلم شناسایی نشده است. اما وزارت معارف از مسئولین امنیتی کشور خواسته است که عاملان قتل این دو آموزگار را شناسایی کرده و به مجازات برسانند.

همچنان وزارت معارف از ضرب و شتم یک کارمند دیگر این وزارت در شهر قلات، مرکز ولایت زابل خبر داده است و گفته است این فرد در مرکز زابل مشغول تدریس برنامه ی آموزش تسریعی این وزارت بود که از سوی گروهی از راهزنان مورد ضرب و شتم قرار گرفته است.

مخالفین مسلح افغانستان به دلیل مخالفت با سیستم آموزشی وزارت معارف کشور و همچنان تعلیم و آموزش دختران، معلمان برای هر کودک و دانش آموز است. آموزش حکومت طالبان دختران حق رفتن به مکتب را نداشتند و همچنان زنان نمی توانستند به عنوان معلم ایفاء وظیفه بکنند. هر چند که در این زمان در اکثر ولایت های کشور مکتب موجود نبود.

تهدیدهای امنیتی همواره یکی از مشکلات جدی معلمان افغانستان بوده است. معلمان مناطق نا امن کشور از این مشکل بیشتر رنج می برند و جان های شان بیشتر در معرض تهدید و خطر قرار دارد. تا کنون قربانیان زیادی از معلمان گرفته است. هر چند آمار دقیق درباره قتل معلمان وجود ندارد، اما بارها خبر قتل، تهدید و ضرب و شتم معلمان را از طریق رسانه ها شنیده ایم و خوانده ایم.

حکومت هنوز نتوانسته است حد اقل امنیت جانی آموزگاران کشور را تامین بکند. متاثر کننده است که بعد از پانزده سال تلاش، هنوز خبر قتل معلمان شنیده می شود و مخالفان مسلح، سفیران آگاهی کشور را هدف قرار می دهند و جان آنها را می گیرند. علاوه بر این نا امنی باعث بسته شدن، به آتش کشیدن و تخریب مکتب شده است و کودکانی زیادی را از آموزش محروم کرده است. کودکان مناطق نا امن کشور همواره از

معلمان؛ سفیران جان بر کف آگاهی

مهدی مدبر



سواد، حد اقل می توانند چراغ آگاهی و دانایی را در آن مناطق روشن نگاهدارند. با هدف قرار گرفتن معلمان از سوی مخالفین مسلح، این نگرانی به وجود می آید، که معلمان دیگر جرات نکنند به تدریس در مناطق نا امن ادامه بدهند و چراغ آگاهی و دانایی در آن مناطق خاموش گردد. جان دادن یک معلم، به معنای خاموش شدن یکی از چراغ های آگاهی و دانایی است؛ بنا بر این ضرورت است که حکومت برای تامین امنیت جان معلمان توجه جدی کند و عاملان قتل آنها را به مجازات برسانند.

اگر به دلایل نفوذ گروه های افراطی و تروریستی در بین مردم به دقت نگریده شود، دیده می شود که یکی از عوامل اصلی نفوذ آنها و سربرازگیری شان، استفاده از عدم آگاهی مردم است. آنها مردم کم سواد و بی سواد را به آسانی می توانند فریب بدهند و مقاصد شوم شان را برای آنها توجیه کنند. مناطق دور دست و نا امن کشور، بیشتر در معرض خطر نفوذ گروه های افراطی قرار داشته است و آنها نتوانسته از آنجا سربرازگیری کنند. این امر ضرورت توجه جدی به گسترش معارف و تعلیم و آموزش در مناطق دور دست و نا امن را روشن می سازد.

معلمان مناطق روستایی و مناطق نا امن

معلمان مناطق روستایی و مناطق نا امن

از مشکلات اقتصادی شان را رفع بکنند و مجبور هستند بصورت نیمه وقت به یک شغل دیگری مصروف شوند. بیشتر معلمان مناطق روستایی به کشاورزی و دوکان داری می پردازند و این کارها باعث می شوند که آنها اوقات فراغتی کمتری داشته باشند و از تحقیق و مطالعه برای افزایش آگاهی شان، باز بمانند.

افزایش معاش معلمان یکی از ضرورت های اساسی معارف کشور است. معلمان برای آموزش دادن بهتر نیازمند این هستند که کمتر نگرانی های اقتصادی داشته باشند و زندگی شان از ثبات و آرامش برخوردار باشد. این کار، باعث می شود که آنها بتوانند با آرامش خاطر به تحقیق و مطالعه بپردازند و کیفیت تدریس خود را افزایش دهند.

عدم موجودیت برنامه های موثر برای افزایش سطح تحصیلی معلمان یکی دیگر از مشکلات آنها و در مجموع معارف کشور است. معلمان مناطق دور افتاده ی افغانستان به دلیل نبود مراکز آموزشی خصوصی، نمی توانند برای ارتقاء سطح تحصیلی خود اقدام کنند. حکومت نیز در این رابطه برنامه ای ندارد و اگر برنامه های ارائه ی بورس های تحصیلی به معلمان وجود داشته است، به معلمان روستایی کمتر اختصاصی داده شده است.

وزارت معارف برای افزایش آگاهی معلمان و وکتاب های کوتاه مدت و چند روزه دایر می کند و بر اساس آنها برای معلمان گواهی نامه آموزش با کیفیت داده می شود، اما این برنامه چندان موثر نبوده است و نتوانسته به افزایش سطح دانش معلمان کمک خوبی بکند. عدم دسترسی معلمان به مراکز آموزش عالی، علاوه بر این که بر کیفیت تدریس آنها تاثیر بد میگذارد، امنیت شغلی آنها را نیز از بین می برد.

حکومت افغانستان برای توسعه ی معارف و آموزش با کیفیت، باید به زندگی معلمان توجه جدی بکند. باید برنامه های برای کاهش مشکلات معلمان روی دست گرفته شود و به آنها فرصت ها و زمین های ارتقاء سطح سواد و آگاهی شان، فراهم گردد، تا از این طریق آنها بتوانند فرزندان این کشور را بهتر آموزش بدهند.

روندها و ساختارها در وضعیت جدید جهانی

محمود واعظی/قسمت ششم



یکسان شدن استانداردها، هماهنگ شدن منابع خبری و اطلاعاتی بر اثر گسترش شبکه های ماهواره ای و اینترنت و فراگیر شدن تقاضاهای سیاسی و فرهنگی در جهت دموکراسی و لیبرالیسم فرهنگی و در نهایت پیوندهای غیرقابل انفکاک در بازارهای مالی جهانی و شبکه های گردش کالا و سرمایه، به عنوان عوامل تأثیرگذار یاد می شود. این واقعیت ها اگر چه غیرقابل انکار هستند، اما نباید در مورد میزان فراگیر شدن آنها و اینکه تا چه میزان واقعیت های محلی را کمرنگ و یا محو می سازند، اغراق کرد؛ ضمن اینکه نباید فراموش کرد که جهانی شدن تنها واقعیت قابل درک جهانی نیست. در کنار فرآیند جهانی شدن، فرآیندهای دیگری نیز به طور همزمان - اگر چه نه با قدرت فرآیند جهانی شدن - در حال دوام و گسترش هستند. مهمترین این فرآیندها منطقه گرایی است.

وضعیت جهانی: تداوم روندهای متناقض علی رغم تصویر سازمان یافته و منسجمی که سعی می شود از وضعیت نظام بین المللی ارائه شود، وضعیت جهانی پس از پایان جنگ سرد تنها در این تصویر خلاصه نمی شود. مفهوم نظام بین المللی، همان گونه که بیان شد، قادر به تبیین تمامی تحولات جهانی پس از پایان جنگ سرد نیست. نظام بین المللی بر مبنای منطق دولت (تأمین امنیت و رفاه) تعریف می شود. بنابراین هر کنشی که تأثیر جهانی باشد از طریق توضیح نظام بین الملل قابل تحلیل نیست. به عبارت دیگر، اگر چه مفهوم نظام بین الملل تعاملات اصلی میان واحدهای ملی را توضیح می دهد، اما این تعاملات تمامی کنش های تأثیرگذار در فضای جهانی را شامل نمی شوند. در فضای جدید جهانی، ما شاهد روندهای متناقضی هستیم که فراتر از عقل عرفی دولت ها، همسو و یا ناهمسو با آن، حیات دولت ها را تحت تأثیر قرار می دهند.

بحران عراق دست کم تاکنون اثبات کرده است که یکجانبه گرایی آمریکا نتوانسته است منافع و اهداف این کشور را تأمین نماید، ضمن اینکه به لحاظ نظری هر چه قدرت گسترده تر شود، امکان آسیب پذیری آن بیشتر خواهد شد. ب - اروپا: اروپا به لحاظ داخلی همچنان گرفتار مسئله هویت است. اعضای اتحادیه اروپا هنوز در حوزه مسائل مهم و تعیین کننده خارجی نتوانسته اند به یک هویت و موضع واحد دست یابند و به همین دلیل از میزان توانایی آنها برای نقش آفرینی مستقل کاسته شده است. بحران عراق و اختلاف نظر میان اعضای اتحادیه اروپا گواهی بر این موضوع است. ج - روسیه: معضلات اقتصادی و اجتماعی ناشی از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، روسیه را از موقعیت گذشته خود دور ساخته است. روس ها با توجه به این معضل ترجیح می دهند به لحاظ راهبردی حسب مورد شریک اروپا باشند و گاهی اوقات با آمریکا همکاری نمایند.

جهانی شدن در برابر منطقه گرایی ۱- جهانی شدن: جهانی شدن به عنوان یک فرآیند واقعی - که با وجود یک درک مشترک از آن، در تعریف آن اختلاف نظرهای فراوانی وجود دارد - به مجموعه ای از روندها و فرآیندها اطلاق می شود که به شکل گیری فضای واحد و همگون جهانی کمک می کنند. برای نمایش چگونگی شکل گیری این فضای واحد و همگون جهانی معمولاً از نزدیک شدن ارتباطات و فرهنگ مسردم کشورهای مختلف،

جهانی شدن در برابر منطقه گرایی ۱- جهانی شدن: جهانی شدن به عنوان یک فرآیند واقعی - که با وجود یک درک مشترک از آن، در تعریف آن اختلاف نظرهای فراوانی وجود دارد - به مجموعه ای از روندها و فرآیندها اطلاق می شود که به شکل گیری فضای واحد و همگون جهانی کمک می کنند. برای نمایش چگونگی شکل گیری این فضای واحد و همگون جهانی معمولاً از نزدیک شدن ارتباطات و فرهنگ مسردم کشورهای مختلف،

جهانی شدن در برابر منطقه گرایی ۱- جهانی شدن: جهانی شدن به عنوان یک فرآیند واقعی - که با وجود یک درک مشترک از آن، در تعریف آن اختلاف نظرهای فراوانی وجود دارد - به مجموعه ای از روندها و فرآیندها اطلاق می شود که به شکل گیری فضای واحد و همگون جهانی کمک می کنند. برای نمایش چگونگی شکل گیری این فضای واحد و همگون جهانی معمولاً از نزدیک شدن ارتباطات و فرهنگ مسردم کشورهای مختلف،

محک تجربه و آزمایش می گذارند. گرایش های منطقه ای در اوائل هزاره سوم در شکل رقابت های بین منطقه ای و رشد همکاری های سازمان یافته درون منطقه ای تجلی یافته است. این گرایش ها به لحاظ گسترده گی، تنوع و تأثیرگذاری نسبت به دوران جنگ سرد قوی تر و شدیدتر شده اند. اجرای طرح های اقتصادی کلان، منطقه ای، منطقی تجارت درون منطقه ای، تقویت بنیادهای فنی، ارتباطی و اقتصادی منطقه ای و اتخاذ سیاست های یکسان در قبال مسائل بین المللی از ویژگی های منطقه گرایی است. ظهور این گرایش ها به مناطق خاصی منحصراً نمی شود. در حقیقت، می توان گفت که این روند از ماهیتی جهانی برخوردار است. گرایش مناطق مختلف به این روند با میزان توسعه یافتگی اقتصادی و تأثیرگذاری بین المللی آنها همبستگی مثبت دارد. اتحادیه اروپا و اتحادیه تجارت آزاد آمریکای شمالی (فتا) و اتحادیه ملل جنوب شرق آسیا (آسه آن) در حال حاضر مهمترین بلوک های اقتصادی جهانی به شمار می روند. گروه بندی های دیگری که به طور بالقوه قابلیت تبدیل شدن به یک بلوک منطقه ای را دارا هستند، در سایر نقاط جهان قابل مشاهده اند، اما فاصله میان بلوک های بالقوه و بلوک های بالفعل بسیار زیاد است.

حوزه سیاست بین الملل نیز همانند حوزه اقتصاد بین الملل، با مجموعه ای از کنش ها و روندها مواجه هستیم که فراتر از منطق دولت و عقل عرفی مورد انتظار از دولت ها (به گونه ای که در منطق نظام بین الملل مفروض گرفته شده است) و در جهت مخالف یا یکدیگر در حال تقویت و تداوم هستند. یکجانبه گرایی و برتری طلبی آمریکا که در جهت تثبیت نقش هژمونیک این دولت دنبال می شود، از یک سو، و تشدید جریان های ضد یکجانبه گرایی و ضد هژمونی آمریکا در جهان که در قالب های مختلف پیگیری می شود، از سوی دیگر، تعاملات اصلی و تعیین کننده را در سطح جهانی رقم می زنند.

هژمونی: مفهوم هژمونی در ادبیات روابط بین الملل هم با تعبیر خوش بینانه (حافظ نظم، ثبات بخش) و هم بدبینانه (سلطه، برتری جویی) به کار گرفته می شود. اما هر دو تعبیر اشاره به موقعیتی دارد که یک قدرت برتر از توانایی های خود در جهت حفظ و تثبیت نظم موجود جهانی بهره می گیرد. در واقع، موقعیت هژمونیک هنگامی شکل می گیرد که این نقش از سوی سایر قدرت های بزرگ جهانی مورد پذیرش قرار گیرد.

روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله ییاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است. www.dailyafghanistan.com Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

کارتون روز بدون شرح. A cartoon illustration of a man carrying a large green apple on his back, with a small figure of a person walking away in the distance.

Footer containing contact information for The Daily Afghanistan, including phone numbers, email addresses, and social media links.